

مقایسه تحلیلی جهان‌بینی و زندگی آدویف و آنگین در دنیای آدم‌های زیادی

بهرام زینالی*

دانشیار زبان و ادبیات روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

روح‌انگیز قلیزاده**

کارشناس ارشد زبان و ادبیات روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۹، تاریخ تصویب: ۹۲/۸/۷)

چکیده

موضوع جوانان قرن نوزدهم روسیه در آثار بیشتر نویسندگان، جایگاه ویژه‌ای داشت. زندگی و طرز تفکر آن‌ها با دیگران متفاوت بود. آنان ایده‌ها و شیوه‌های متفاوتی داشتند. تسلطشان به علوم مختلف، توانایی در سخنوری، شعر و ادب، جنگاوری و سبک زندگی اشرافی در آن‌ها به خوبی نمایان بود. اما از سویی، با دیگر اشراف زمان خود تفاوت عمده و بزرگی داشتند. زندگی روزمره و پوچ، تجملات، مجالس و محافل اشرافی، تنها احساسی که برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد، احساس پوچی، سردرگمی، یاس و اندوه بود. آن‌ها خواستار ایجاد تغییرات و تحولات عظیم در درون خود و جامعه بودند. اما راه رسیدن به این هدف، برای آن‌ها غریب و ناآشنا بود. ایده‌ها و آرمان‌های آن‌ها برای اطرافیان قابل درک نبود و توسط جامعه و اطرافیان پس زده می‌شدند. از این رو، بررسی شیوه تفکر آن‌ها، مورد توجه و اهمیت نویسندگان قرن نوزدهم واقع گشت و محور اصلی آثار آن‌ها قرار گرفت. در اصطلاح ادبی روسیه به اینگونه اشراف «آدم زیادی» گفته می‌شد. در این مقاله سعی خواهد شد با مقایسه این گونه ادبی در آثار پوشکین و گانچاروف، تفاوت دیدگاه‌ها و سبک زندگی آن‌ها واکاوی شود. زندگی قهرمانان هر دو داستان، گویای جهان‌بینی و الگوهای ذهنی هر دو نویسنده می‌باشد. در این راستا، سعی خواهد شد با ارائه توصیفی، ظاهر و شخصیت هر دو قهرمان، خواننده با مقایسه فضای توصیف شده و سنجش موقعیت زندگی آن‌ها به تفاوت‌ها و تمایزات آن‌ها پی ببرد.

واژه‌های کلیدی: پوشکین، آنگین، گانچاروف، آدویف، آدم زیادی.

* تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۳۴، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: bzeinali@ut.ac.ir

** تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۳۴، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: roohangiz_gholizadeh@yahoo.com

مقدمه

ادبیات روسیه در دوره‌های تاریخی مختلف، دستخوش تغییرات بسیاری قرار گرفت. این حوادث در آثار بیشتر نویسندگان روس که همواره نقش ناجی و مدافع حقوق عامه مردم را بر عهده می‌گرفتند، به خوبی منعکس می‌شد. مشکلات عامه مردم و روابطشان با طبقه حاکم، موضوع اصلی آثار آنها بود. نویسندگان بنا بر ضروریات جامعه به موضوعات خاص دوران خود می‌پرداختند و به کمک قلم خود که همانند سلاحی در برابر حکومت بود، مشکلات جامعه را بیان می‌کردند.

قرن نوزدهم در ادبیات روسیه، قرن طلایی نام گرفت. نویسندگان این دوره بیشتر از دیگر دوران به مبارزه با حکومت پرداختند. جریان‌های تاریخی مختلفی که در این راستا شکل گرفت، سرمنشأ پیدایش بسیاری از شخصیت‌ها و گونه‌های ادبی شد. یکی از گونه‌های ادبی که در آثار بیشتر نویسندگان قرن نوزدهم خلق شد، مردمی بودند که به آنها «آدم زیادی» می‌گفتند. خلق این گونه ادبی با اثر «یادداشت‌های آدم زیادی» تورگنیف، شکل گرفت، اما در واقع این پوشکین بود که با رمان یوگنی آنگین آدم‌های زیادی را به گستره ادبیات روسیه وارد کرد.

بیشتر نویسندگان قرن نوزدهم روسیه، از طبقه اشراف و دربار بودند و زندگی درباری و قوانین حاکم بر این طبقه اجتماعی برای آنها ملموس و آشنا بود. آنها این سبک زندگی را نفی کرده و از زندگی پوچ و روزمره اشراف، گریزان بودند و نارضایتی از وضع موجود را در آثار ادبی خود با خلق شخصیت‌ها و موقعیت‌های مشابه، نمایان می‌ساختند. در این مقاله سعی خواهد شد، این مسئله در آثار «پوشکین» و «گانچاروف» بر اساس دو رمان یوگنی آنگین و داستان همیشگی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

پوشکین به عنوان یکی از بزرگترین نویسندگان قرن نوزدهم، نویسنده‌ای مردمی بود که توانست بیشتر مشکلات جامعه را در آثار خود منعکس کند. موضوع آدم زیادی از موضوعات اصلی آثار اوست. یوگنی آنگین، نماینده آدم زیادی به گونه‌ای زندگی اشراف دوران قرن نوزدهم را منعکس می‌کرد.

به دنبال استقبال از این موضوع از سوی بیشتر خوانندگان، نویسندگان دیگر به این گونه‌سازی در آثار خود پرداختند. هر یک از نویسندگان قرن نوزدهم، قهرمان خود را به گونه‌ای در ردیف گونه ادبی «آدم زیادی» قرار می‌دهند. یکی دیگر از نویسندگانی که خالق آثار برگزیده‌ای است و در دوران زندگی‌اش توانست راه پوشکین را در پیش گیرد، گانچاروف است

که بارزترین قهرمان این گونه ادبی در آثار او آبلوموف است. اما نمی‌توان گفت: تمام این قهرمانان که توسط نویسندگان مختلف معرفی شده‌اند، یکسانند. هر یک از آن‌ها علاوه بر موقعیت اجتماعی، بیانگر نظر نویسنده اثر و یا خالق خود می‌باشند.

قهرمان رمان داستان همیشگی آدویف، در مقایسه با یوگنی آنگین، علیرغم شباهت بسیار به اشراف دوران قرن نوزده، در نوع خود متفاوت است. با بررسی بیشتر این موضوع، نقاط تشابه و تفاوت «آدویف» و «آنگین» به خوبی آشکار می‌شود.

محققان زیادی در زمینه این موضوع فعالیت داشتند که شاخص‌ترین آن‌ها، ویساریون بلینسکی است. مجموعه مقالات او در ۱۱ جلد و مربوط به سال‌های ۱۸۴۳-۱۸۴۶ در زمینه‌های مختلف ادبیات و آثار نویسندگان روسیه به چاپ رسیده است. از بین این مقالات، مقاله‌های ۸ و ۹ مربوط به بررسی رمان یوگنی آنگین و شخصیت آنگین است. دیگر محققان این حیطه: نیکلای گوگول و مقاله «چند نکته درباره پوشکین»؛ پوسپلوف و مقاله یوگنی آنگین مثل یک رمان رئالیستی» (۱۹۸۳)؛ سولووی و مقاله «رمان پوشکین یوگنی آنگین» (۱۹۸۱)؛ شاتالوف و مقاله «قهرمان رمان پوشکین یوگنی آنگین» (۱۹۸۶).

بحث و بررسی

در ادبیات روسیه، فلسفه و ماهیت وجودی انسان به عنوان یکی از مسایل اساسی جامعه، برای اولین بار در آثار پوشکین مورد توجه قرار گرفت. او بنیانگذار ادبیات کلاسیک روسیه است که در قرن نوزدهم، وظیفه سنگین بررسی و حل مشکل مربوط به روابط متقابل جامعه، حکومت و مردم را بر عهده می‌گیرد. به عبارت دیگر، شکل‌گیری شخصیت مستقل یک انسان، تحت عنوان «آدم زیادی» در ادبیات روسیه ظهور کرد.

گونه ادبی «آدم زیادی» برای اولین بار در اثر تورگنیف یادداشت‌های آدم زیادی (۱۸۵۰) نمایان می‌شود. این گونه ادبی توسعه پیدا می‌کند و در نهایت دوبرولوبوف، مجموعه «آدم‌های زیادی»، ادبیات روسیه را به خواننده معرفی می‌کند که از آنگین شروع می‌شود و به آبلوموف ختم می‌شود (بویکو، پوستنوف ۵).

اما اصطلاح «زیادی» همانطور که بلاگوی در مقاله خود می‌نویسد، توسط پوشکین در نسخه اولیه یوگنی آنگین به کار برده شد (بلاگوی؛ مسیر هنری پوشکین).

اصطلاح «آدم زیادی» قبل از هر چیزی با اشراف قرن نوزده در ارتباط است. پیدایش

اینگونه افراد پیش از هر چیزی نتیجهٔ تقابل علم حاصل از تحصیلات اروپایی و شرایط زندگی روسیه در فرمانروایی نیکلای، پس از شکست قیام دکابریست‌ها رخ می‌دهد (لاورتسکی ۵۱۷). آنگین «آدم زیادی» است، نه به دلیل این‌که اشراف زمان او کاری برای انجام دادن نداشتند؛ بلکه برعکس، کار بسیاری هم بود. او «آدم زیادی» بود، چون به بخشی از اشراف تعلق داشت که نمی‌توانستند شرایط و اوضاع بورژوازی را پذیرا باشند (همان ۵۲۰).

تحقیر کرامت انسانی، آزادی، حق و نیز بازدارندگی و سد پیشرفت با نگهداشت نظام سرواژی و سلطنت مطلقه و انزوای اجباری از فرهنگ اروپایی و پیشرفت‌های آن، بدون آن‌که دچار ستیزه‌هایی دردناک شوند، مورد توجه آن‌ها بودند. کسی که نظریهٔ انسانیت و حکومت مبتنی بر قانون را دریافته، نسیم روشنفکری و آزادی مدنی را لمس و درک کرده بود، دیگر نمی‌توانست در نظم مردهٔ تزارها احساس سعادت کند. روشنفکران روس در آرزوی آن بودند که بتوانند واقعیت را آشکار سازند و حقیقت را بگویند، اما حقیقت سرکوب می‌شد و موانع سانسور را تنها از طریق خزیدن از کوره راه‌ها می‌شد، دور زد. روشنفکران روس در وجدان خود، این انگیزه را احساس می‌کردند که به تحقیر، خودکامگی و فشار؛ آشکارا اعتراض کنند. اما اعتراض آشکار حتی اگر نسبت به دسیسه‌های یک حاکم شهرستانی بود، در حکم خودکشی محسوب می‌شد.

بسیاری از روشنفکران روس، در آرزوی آن بودند که برای رفاه مردم و ارتقای فرهنگ کشور تلاش کنند و مؤثر واقع شوند. اما تحت فشار آهین رژیم و اختناق آن، هیچ‌گونه امکانی برای فعالیت شهروندان و هیچ‌گونه فضایی برای جلوه دادن ابتکارهای سیاسی، اجتماعی و توانایی‌های دیگر وجود نداشت.

بدین ترتیب بود که، با استعدادترین اشخاص قادر نبودند؛ موجودیت خود را به نحوی معقول در درون جامعه مطرح کنند و به نظر خود به صورت «آدم زیادی» و انسانی که در زمان مناسب متولد نشده می‌آمدند. برای آن‌ها این توفیق پیش نیامد که از طریق توانمندی فردی بتوانند، به آگاهی از ارزش اجتماعی خود دست یابند.

حال پس از آگاهی دربارهٔ چگونگی خلق «آدم زیادی» و جایگاه آن در ادبیات روسیه، تلاش می‌شود تا این موضوع بر روی قهرمانان دو اثر مهم از دو نویسندهٔ معروف یعنی «پوشکین» و «گانچاروف» بررسی شود.

اثری از پوشکین که این موضوع در آن بررسی می‌شود، یوگنی آنگین است. این اثر، طی سال‌های طولانی نوشته شده است و حادثهٔ تاریخی قیام دکابریست‌ها بر آن بی‌تأثیر نبوده است.

پوشکین در ماه می سال ۱۸۲۳ در کشینف، (زمانی که در تبعید جنوبی به سر می‌برد)؛ نوشتن این رمان را آغاز کرد. در این اثر، پوشکین توانست مردم روسیه و اشراف قرن نوزدهم را با توصیف زندگی بسیاری از افسار جامعه به تصویر درآورد. موضوع اصلی رمان، عشق دختر ارباب‌زاده روستایی «تاتینا» و پسر اشراف‌زاده شهری «یوگنی آنگین» است. نویسنده دیگری که به موضوع «آدم زیادی» در آثار خود اشاره کرده است، ایوان الکساندرگانچاروف (۱۸۹۱-۱۸۱۲) است. او در خانواده‌ای تاجر و ثروتمند در سیمبیرسک به دنیا آمده است.

رمان‌نویس مشهور و بزرگ روسیه «گانچاروف»، در زمان حکومت مستبد نیکلای اول، وارد عرصه نویسندگی شد. آثار او تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری مکتب رئالیستی روسیه داشت و تا حد زیادی بر نویسندگان بزرگی همچون تولستوی، تأثیرگذار بوده است. ارزنده‌ترین و ماندگارترین آثار گانچاروف سه‌گانه داستان همیشگی، آبلوموف و پرتگاه اند که زندگی مردم روسیه سال‌های ۴۰ الی ۶۰ قرن نوزدهم در آن‌ها منعکس شده است. در این رمان‌ها، گانچاروف سعی می‌کند؛ واقعیت زندگی مردم روسیه را از تمامی لحاظ به تصویر بکشد. نویسنده سعی می‌کند، تمامی جوانب زندگی را از ابعاد معنوی، اخلاقی و اجتماعی بررسی کند.

رمان داستان همیشگی گانچاروف، برای بار اول در چهارمین شماره مجله «معاصر»، در سال ۱۸۴۷ منتشر شد. این‌که این رمان در مجله انقلابی آن زمان چاپ شده بود، بهترین تبلیغ اجتماعی و ادبی برای آن اثر بود. گانچاروف در طول ۳ سال، مشغول نوشتن این رمان بود. در مقاله «داستان غیرعادی (۱۸۷۵-۱۸۷۸)»، گانچاروف می‌نویسد: ایده رمان در سال ۱۸۴۴ شکل گرفت و در سال ۱۸۴۵ نوشتن آن آغاز شد و در سال ۱۸۴۶، فقط چند فصل باید به آن اضافه می‌شد. رمان داستان همیشگی، گانچاروف را در رده نویسندگان مطرح مکتب رئالیسم قرار داد که به عقیده بلینسکی، سعی داشتند جنبه‌های مختلف جامعه را منتقدانه مورد توصیف قرار دهند (بلینسکی ۳۱۵-۳۱۶).

آنگین از قهرمانان مکتب رئالیسم ادبیات روسیه است و تأثیرات زیادی بر نویسندگان بعد از خود دارد. باختین که رمان‌نویسی را تنها در حیطه چندصدایی می‌بیند، پوشکین را با وجود شاعر بودن، یک رمان‌نویس می‌داند و مثال‌های زیادی را ذکر می‌کند که چگونه در دل روایت ترو آنتی‌تز هگلی، شکل می‌گیرد. پوشکین را باید اولین آغازگر روسی‌نویسی و پا به عرصه گذاشتن شخصیت‌های روسی در ادبیات دانست، شخصیت‌هایی که هر چند به قول

داستا یوفسکسی، مسئله‌ای فرا مرزی دارند، اما ویژگی‌های ملت روس در آن‌ها نمایان است (فاتحی ۱-۲).

یوگنی آنگین، جوان زمین‌دار و کتابخوانی است که به دیگر زمین‌داران و همسایگانش شباهتی ندارد و معتقد است اشراف باید صاحب زمین باشند (از عقاید خود پوشکین که نیم قرن بعد در روسیه به وقوع پیوست) (همان).

یوگنی آنگین، نماینده جوانان اشراف قرن نوزدهم بود، که در سال‌های ۲۰ شکل گرفتند. او در خانواده‌ای ثروتمند متولد و بزرگ شد. همانطور که در آن زمان عرف بود، او در خانه و تحت نظر مربیان خارجی، از جمله معلم فرانسوی تربیت شده بود. قهرمان داستان، نماینده جوانانی بود، که آن‌ها را «نسل طلایی» می‌نامیدند. آن‌ها بسیار توانمند و باهوش بودند، اما مشخصه اصلی آن‌ها زندگی شاد و به دور از فعالیت بود. گردش در بلوار نفسکی، شرکت در مجالس رقص و باله، کارهایی بودند که مختص جوانان آن زمان بود. علیرغم تمامی این عادات‌ها و سنت‌ها یوگنی آنگین در بین نسل طلایی آن دوره به سبب هوش و استعداد بالای خود و همچنین به دلیل داشتن دیدگاه انتقادی نسبت به زندگی اشراف، متمایز بود.

ویساریون بلینسکی، آدویف را؛ رمانتیک سه‌گانه می‌نامد. رمانتیک از لحاظ ذات و سرشت، رمانتیک از لحاظ تربیت و رمانتیک بر اساس شرایط زندگی. «آدویف» با نیت و هدف فدا کردن خود در راه آرمان‌های ملت روستای خود، گراچی^۱ را ترک و به مرکز هیجانات زندگی یعنی سن‌پترزبورگ عزیمت می‌کند.

رمانتیک‌های حقیقی، رفتاری به غیر از این دارند. آن‌ها از شهرهای خفقان زده فراریند، منزوی می‌شوند و در ذهن خود دنیای دیگری می‌سازند. «الکساندر آدویف» برخلاف این افراد است. او می‌خواهد وارد جامعه شود و حتی خدمتی را نیز ارائه دهد. این خصالتی غیرعادی و غیرطبیعی است که در نهاد قهرمان داستان قرار دارد و برخلاف خصالت‌هایی است که در جوانان اشراف سال‌های ۳۰ و ۴۰ قرن نوزدهم روسیه به چشم می‌خورد (شبلیکین ۷۵).

بر عکس قهرمان گانچاروف، قهرمان پوشکین یوگنی آنگین از زندگی شهری به زندگی روستایی پناه می‌برد. یاس و ناامیدی شهر گریبانگیر او می‌شود. از دوستان و آشنایان، جذابیت‌های ظاهری دنیای اشراف، خسته می‌شود، به نویسندگی روی می‌آورد و اندکی بعد از این کار دست می‌کشد. بعدها به مطالعه علاقه پیدا کرد، ولی این حس نیز به زودی فروکش

۱- روستایی در منطقه آرلوف.

کرد. او قصد عزیمت به خارج را می‌کند، اما پس از دفن پدرش و تقسیم اموال و دارایی‌های او در ماه می سال ۱۸۲۰ به روستای عمویش سفر می‌کند (بایفسکی ۱۲۰).

او در روستا، همسایه جدیدی به نام لنسکی پیدا می‌کند، که به خاطر شباهت‌های اولیه‌شان، با هم صمیمی می‌شوند و به خانه‌ای می‌روند که اولگا، نامزد لنسکی همراه با خواهرش تاتیانا - اولین اسم روسی در ادبیات روسیه - در آنجا زندگی می‌کنند. اما به تدریج، تفاوت‌های شخصیتی در آن دو پدیدار می‌شود و لنسکی احساساتی و دل‌داده در مقابل یوگنی آنگین به ظاهر منطقی قرار می‌گیرد (فاتحی ۱).

در رمان داستان همیشگی تقابل روستا و شهر با تفاوت جهان‌بینی‌ها، سبک تربیت افراد در محیط روستایی بر اساس قوانین زندگی شهری دیده می‌شوند. «آدویف» در روستای محل زندگی خود، اربابی جوان است که به واسطه ویژگی‌های ظاهری خود نه تنها فردی متشخص، بلکه جزء معدود افراد آنجا بود. زندگی در این فضا، به این جوان زیبا، تحصیلکرده و متفکر القاء می‌کند که او در این دنیا یکتا و بی‌همتا است (گانچاروف ۹).

در طول رمان، آدویف چندین بار از شهر به روستا و از روستا به شهر، نقل مکان می‌کند و هر بار در موقعیت‌های مختلف قرار می‌گیرد. زندگی اربابی و خانه‌اشرافی او در این روستا، آن را به یک روستای ایده‌آل تبدیل می‌کند که یکبار برای همیشه از نظام فئودالی جدا شده است، اما پترزبورگ، همانند شهری اروپایی با مشخصات منحصر به فرد در جامعه بورژوازی روسیه به تصویر کشیده شده است (بلینسکی ۳۵۲).

یوگنی آنگین در ابتدای رمان؛ دارای شخصیت سردرگم و بی‌هدفی است. مکان زندگی خود را از شهر به روستا تغییر می‌دهد، اما زندگی روستایی نیز جوابگوی روح جستجوگر و سرگردان او نمی‌شود. حتی دوستی با لنسکی جوان، نیز نمی‌تواند او را آرام کند. او در جستجوی هدف خود به هر ریسمانی چنگ می‌زند اما چیزی در وجود او دگرگون نمی‌شود. یوگنی آنگین در زندگی، در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌گیرد. عشق به تاتیانا، یکی از موضوعات اصلی این اثر است که در دو مرحله توصیف می‌شود. یوگنی آنگین به عنوان نماینده جوانان اشراف قرن نوزدهم روسیه، نمی‌تواند عاشق زنی شود که دل‌داده اوست. او بار اول، عشق تاتیانا را رد می‌کند.

داستایفسکی در این زمینه با نظر بلینسکی مبنی بر این‌که یوگنی آنگین مانند انسانی است که نمی‌داند در شرایط متناقض جامعه چگونه رفتار کند و به همین دلیل به فردی خودخواه و یک گونه ادبی تراژیک تبدیل می‌شود، موافق است. او می‌گوید: یوگنی آنگین از این رنج

می‌برد که نمی‌داند چکار کند، حتی نمی‌داند به چه چیزی احترام بگذارد. هر چند به خوبی می‌داند که در دنیا چیزهایی وجود دارند که باید به آنها احترام گذاشت و عاشق آنها بود. در فرمولی که بلینسکی در مورد یوگنی آنگین ارائه می‌دهد، او رنجور و خودخواه است. نظر داستایوفسکی در این باره فراتر نیز می‌رود. داستایوفسکی معتقد است، آنگین به انسان خودخواهی تبدیل می‌شود که به حال خود می‌خندد. چرا که حتی نمی‌تواند خودخواه نیز باشد. اگر او خودخواه می‌بود، به آرامش می‌رسید (داستایوفسکی ۱۰۱-۱۰۲).

داستان با وجود صحنه‌های رقیق و عاشقانه که از عشق تاتیانا به یوگنی آنگین خبر می‌دهد، آرام آرام از شخصیت‌ها و احساسات رمانتیک خارج می‌شود و یوگنی آنگین و تاتیانا را به عرصه رئالیسم تلخی می‌کشاند. یوگنی آنگین که عشق تاتیانا را رد می‌کند، در دوتلی با لنسکی بر سر اولگا، لنسکی را از پا در می‌آورد و از آن شهر می‌رود. یوگنی آنگین در آخر رمان، وقتی تاتیانا را می‌بیند که با پرئسی ازدواج کرده و با مستخدمینش در آسایش زندگی می‌کند. به پای او می‌افتد و طلب عشق می‌کند تا من دیگری بودلری - کلانی - فرویدی به ظهور برسد. رمان در لحظه به خاک افتادن یوگنی آنگین و رد شدن عشقش توسط تاتیانا به پایان می‌رسد (فاتحی ۱).

جنبه‌های مثبت و منفی یوگنی آنگین از دیدگاه بلینسکی، نتیجه شرایط حاکم بر جامعه است. او در مورد آنها اینگونه می‌نویسد: عدم فعالیت و خفقان جامعه او را آزار می‌دهد. او به درستی نمی‌داند که چه چیزی می‌خواهد و از چه چیزی بیزار است. بلینسکی لقب خودخواه رنجور را به یوگنی آنگین نسبت می‌دهد. منتقد، قهرمان را مؤاخذه نمی‌کند، بلکه بطور مستقیم او را در برابر نظرات دیگران ایمن می‌دارد. به وضوح دیده می‌شود که بلینسکی اعتراف می‌کند، یوگنی آنگین در نتیجه عشق به تاتیانا دگرگون می‌شود. منظور او، نامه یوگنی آنگین به تاتیانا است که در آن یوگنی آنگین اعتراف می‌کند، خالصانه عاشق اوست و در صحبت‌های او اثری از زندگی اشرافی به چشم نمی‌خورد (میلاخ ۴۲۳).

گانچاروف به شخصیت‌های تاتیانا و اولگا توجه ویژه‌ای داشت و آنها را نماینده دو قشر از زنان روسیه می‌دید. یکی از آنها بی‌شک، جنبه مثبت جامعه و تپیی است که مانند موم ویژگی‌های جامعه را به خود می‌گیرد. دومین گونه شخصیتی با ویژگی‌های درک و هضم دنیای اطراف آزاد، مستقل و خودمختار است. قهرمانان پوشکین، تاتیانا و اولگا بیشتر از دیگر افراد مطابق شرایط و ویژگی‌های جامعه بودند (گانچاروف، ۱۹۵۵، ۷۷-۷۸).

در ابتدای رمان داستان همیشگی، زمانی که آدویف در روستا زندگی می‌کرد، عاشق

دختری به نام سوفیا بود اما به مرور زمان و با تصمیم گرفتن برای عزیمت به پترزبورگ، عشق او را حقیر دیده و به فراموشی می‌سپارد.

اما در ادامه، داستان روال دیگری می‌گیرد. قهرمان داستان، عاشق نادژدا لوییتسکای می‌شود. کار و فعالیت خود را فراموش کرده و می‌خواهد با او ازدواج کند؛ اما خیانت نادژدا لوییتسکایا، آدویف را مأیوس می‌کند. او دچار یأس شده است و پیشرفت در شغل و حرفه برای او دیگر مفهومی ندارد. این روال تا پایان رمان ادامه می‌یابد. آدویف سردرگم و شکست خورده به روستا برمی‌گردد و در آنجا زندگی عادی را در پیش می‌گیرد (بلینسکی ۳۴۲).

آدویف از نظر جامعه و بر اساس زندگی اجتماعی شخصیتی رمانتیک است. اما بسیاری از منتقدان مکتب رمانتیسیم زمان گانچاروف، بر این باور بودند که هر چند او در ظاهر شخصیتی با ویژگی‌های رمانتیک دارد اما بر خلاف آن‌ها دارای شخصیتی عمیق و چند لایه است (مان ۲۴۸).

آدویف نمی‌توانست مسیر زندگی خود را پیدا کند؛ هر چند در ابتدا، زندگی خود را از جهشی بزرگ به سوی پیشرفت و آینده‌ای بهتر آغاز کرد. وفاداری به اطرافیان و به خصوص در عشق و عاشقی از خصلت‌های او بود. اما در پایان رمان، او به شخصیتی، مشغول به کار و فعالیت تبدیل شده و این اوج دگرگونی و تغییرات در زندگی او بود (شبلین ۷۷).

خواننده تصور می‌کند که رمان داستان همیشگی با بلا تکلیفی شخص روستایی در پایتخت به پایان می‌رسد. او از تلاش و تکاپو برای زندگی دست می‌کشد و به ولنگاری و بیهودگی دچار می‌شود، ولی ناگهان داستان روال دیگری می‌یابد. نیرویی شگرف در او بیدار شده، در روستا مشغول به کار می‌شود و پس از آن بار دیگر به پترزبورگ بر می‌گردد. روحیه مبارزه‌گر، پیشرفت در کار جدید و ازدواج بر اساس منطق نتیجه دگرگونی اوست (بلینسکی ۳۴۲).

تا اینجای کار آدویف و آنگین در بسیاری از موارد، بسیار شبیه هم‌اند. آن‌ها از عشق‌های حقیقی، فراری و گریزانند و به افرادی دل می‌بندند که هیچ‌گونه احساسی نسبت به آن‌ها ندارند. شاید علت این که آن‌ها همواره در تنهایی به سر می‌برند، همین مسئله باشد. عشق در نظر و تصور آن‌ها پدیده‌ای دست نیافتنی و مبهم است.

بزرگترین و آشکارترین کمبود رمان داستان همیشگی از نظر بلینسکی، این است که در پایان رمان؛ ماهیت اصلی شخصیت آدویف جوان از بین می‌رود. قهرمان رمان طبق اظهار بلینسکی با چیزی که در ابتدای رمان توصیف شده، متفاوت است. چهره و شخصیت او تصنعی

است. خصلت آدم رمانتیک در ذات و سرشت او بود. اینگونه افراد هیچگاه به شخصیت مثبتی دست نمی‌یابند. نویسنده بهتر بود او را به خاطر تنبلی و بی‌هدفی در روستا از بین می‌برد، تا این‌که مجبورش کند به پترزبورگ رفته و صاحب شغل خوب شده و با دختر ثروتمندی ازدواج کند. طبیعی‌تر آن بود که او را انسانی سکتاریست^۱ یا فرقه‌گرا معرفی کند، ولی مطلوب‌تر از همه آن بود که او را به اسلاویانوفیل^۲ تبدیل کند. در آن زمان بود که قهرمان داستان تبدیل به شخصیتی رمانتیک می‌شد و هیچ وقت کسی شک نمی‌کرد که چنین افرادی وجود ندارند (بلینسکی ۳۲۱).

نویسنده، پایان داستان را خیلی تغییر نمی‌دهد و آن را مانند یک نویسنده واقع‌گرا به پایان می‌رساند. اما، فکر این‌که چرا زندگی مردم روسیه اینگونه به پایان می‌رسد؛ ذهن او را به خود مشغول می‌داشت. در رمان جدیدش آبلوموف، آن‌گونه که گانچاروف به این موضوع پرداخت، این بار نیز نویسنده مجبور شد، بر روی شیوه تفکر قبلی متوقف شود (شلیکین ۷۸).

گانچاروف دریافت که پترزبورگ - به عنوان پایتخت - با شهرستان و به خصوص روستا، دارای دو فرهنگ اجتماعی کاملاً متفاوت است، دو دنیای متفاوت و هم‌زمان با آن، دو موقعیت تاریخی مجزا. زمانی که «آدویف» از روستا به شهر نقل مکان می‌کند، از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت دیگری می‌رسد و شخصیت و افکار او در این نظام جدید، به طور کلی غیرمنتظره و جدید است (گانچاروف ۹).

مهمترین شباهت موقعیت‌های توصیف شده در آثار داستان همیشگی و یوگنی آنگین، در این است که در هر دو اثر، قهرمانان؛ شخصیت‌هایی باتجربه و پخته‌اند که ایده‌های مکتب رمانتیسیم برای آن‌ها بی‌مفهوم است. بلینسکی شباهت آدویف و لنسکی را دریافته بود. در این جا شخصیت آدویف، از بین رفتن ایده‌آل‌های مکتب رمانتیسیم، به عنوان جهان‌بینی منسوخ شده را می‌دید که نسل جوان را از واقعیت‌های زندگی دور می‌کند.

گرسن (هرتسن)^۳ می‌نویسد: شخصیت یوگنی آنگین به قدری ملی و مردمی بود که در تمامی رمان‌ها و داستان‌هایی که در ادبیات روسیه مشهور می‌شدند، به چشم می‌خورد. نه به دلیل این‌که آن‌ها قصد داشتند از او تقلید کنند؛ بلکه به دلیل آن‌که او را در همه جا، در نزد

۱- پیرو مکتبی که از کلیسا و مذهب جدا شده است.

۲- جریان ادبی و فلسفی- مذهبی در جامعه روسیه، که در سال‌های ۴۰ قرن نوزدهم شکل گرفته است و بر استقلال روسیه و تفاوت‌هایش با غرب استوار است.

۳- تلفظ فارسی نام گرسن، به همین شکل است و هرتسن تلفظ انگلیسی این نام است.

خود و در درون خود می‌یافتند (گرسن ۲۰۴).

گانچاروف علیرغم این‌که، روح نویسندهٔ رمان یوگنی آنگین را درک کرده بود، قهرمان خود را به سبک خویش پروارنده است. نویسندهٔ رمانتیسیم به استثنائات موجود در جامعه توجه نکرد؛ بلکه به اصل و ریشهٔ مسائلی که افرادی مثل آبلوموف را پدید آورده‌اند، توجه کرد. اما ارتباط این دو قهرمان برتر «آدم زیادی» و «آدم‌های غیر زیادی» ناگسستنی است. چرا که هر دوی آن‌ها بر روی یک درخت سرنوشت به بار نشسته‌اند (همان).

آنچه در متفاوت شدن این قهرمانان نقش داشت:

- معلمان و تربیت
 - میراث پدران و مادران
 - عشق و چگونگی پاسخ‌گویی به این احساس
 - میزان علاقه به مجالس و بزم‌های اشرافی
- و شرایط محل زندگی؛ که منجر به تحولات درونی در پایان داستان و سرانجامی متفاوت.

نتیجه

نویسندگان قرن نوزدهم ادبیات روسیه، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات آن کشور دارند. هر کدام از آن‌ها به موضوع خاصی پرداخته‌اند. مشکلات و معضلات جامعه به خوبی در آثار آن‌ها منعکس شده است. هنر و آثار این نویسندگان، مجموعه «آدم‌های زیادی» را پدید آورده‌اند که قهرمانانی همچون «آنگین»، «پیچورین»، «رودین»، «آبلوموف»، «آدویف»، «راسکولنیکوف» و غیره در زمرهٔ این افرادند. اما آنچه که بیشتر از همه در این قهرمانان به چشم می‌خورد، منحصر به فرد بودن و متفاوت بودن هر یک از آن‌ها است. در عین حال تمامی آن‌ها به گونه‌ای نمایندهٔ جوانان قرن نوزدهم بودند. نویسندگانی که به موضوع «آدم زیادی» پرداختند، افرادی بودند که خود متعلق به قشر دربار بودند. زندگی اشرافی، قوانین حاکم بر اینگونه محافل، ظلم و ستم‌های حاکم بر رعایا، برای آن‌ها آشنا و ملموس بود. بنابراین نشان دادن ضعف‌ها و مشکلات این جوامع برای آن‌ها آسان بود و هر کدام از این نویسندگان، سهم به‌سزایی در رفع این مشکلات بر عهده داشتند. پوشکین به واسطهٔ قهرمان خود یوگنی آنگین به زیبایی توانست چهرهٔ اشراف شهرنشین قرن نوزده روسیه را نشان دهد. افرادی که در جامعه تحت عنوان آدم زیادی بودند و جامعه توانایی درک آن‌ها را نداشت. افرادی که زندگی شهری برای آن‌ها فقط

یأس و ناامیدی به بار آورد. آن‌ها نمی‌توانستند جایگاه اجتماعی خود را پیدا کنند؛ به ناچار از آن محیط دور می‌شدند و اغلب به جاهای آرام و ساکت پناه می‌بردند تا سکوت و آرامش طبیعت مرهمی بر دل آشفته و پرتلاطم آن‌ها باشد. اما حتی طبیعت نیز نمی‌توانست روح سرکش و جستجوگر آن‌ها را التیام بخشد. آن‌ها از مردم دور می‌شدند و در پی یافتن آرمان‌های خود به سرنوشت‌های مختلف دچار می‌شدند. قهرمان پوشکین، بعد از سال‌ها جستجو و ریاضت، به آرامش می‌رسد و با پیوستن به گروه دکابریست‌ها به هدف خود نائل می‌شود و بدین‌گونه روح مبارزه‌گر خود را تسکین می‌دهد. در مقابل این شخصیت قهرمان رمان *داستان همیشگی گانچاروف*، آدویف قرار دارد. او در ابتدا انسانی شاد و سرزنده است که در روستایی دور زندگی می‌کند. آرامش و سکوت روستا او را به تفکر فرو می‌برد که هدف از آفرینش او چیست؟ تنها جوابی که او در ذهن خود پیدا می‌کند، این است که انسان باید تلاش و فعالیت کند و زندگی توقف و ایستادن در نقطه سکون نیست. او زندگی پرهیاهوی شهر را به آرامش روستا ترجیح داده و به پترزبورگ می‌رود. اما با درک این‌که در زندگی ماشینی شهری آرمان‌های او برای افراد شهرنشین جز خنده و حرف‌های توخالی چیز دیگری نیست، دچار یأس و ناامیدی می‌شود و آرمان‌ها و جهان‌بینی خود را از دست می‌دهد. زندگی با تمام زیبایی‌ها برای او اندوهگین و خسته کننده به نظر می‌رسد. او عشق و عاشقی را از یاد می‌برد، چرا که تجربه‌های تلخ اثر ناخوشایندی بر او بر جای گذاشت. بدین ترتیب او بار دیگر به روستا باز می‌گردد ولی باز هم نمی‌تواند، خود را آرام سازد. پس تصمیم می‌گیرد، شیوه زندگی و نحوه تفکر خود را تغییر دهد. در نهایت این ظاهرسازی، ریا، عشق مادی و ... است که جای ایده‌ها و تفکرات روشن او را می‌گیرند.

Bibliography

- Bayevski, V. S. (1983). "Vremya v "Yevgeni Onegine" ". (Time in Eugene Onegin). Leningrad publication. Leningrad.
- Belinski, V. Gh. (1956). "Sbornik sochineniy, 10 tom". (Set of Literal Works, vol.10). Moscow.
- Blagoi, D. D. (1967). "Tvorcheskii poot Pushkina (1826-1830)." (Pushkin's Artistic Path (1826-1830)). Moscow: "Sovetskiy pisatel" publication

- Boyko, V. A. Postenov, O. G. (2007). "*Lichnost I traditsiya: opit preodolevaniya problemi "lishnego cheloveka" v russkoy literature 19 veka*". (Character and Tradition, Removing the Superfluous man in 19th literature of Russia). Criticism and Semiotics publication, Novosibirsk-Moscow.
- Dostoyevsky, F. M. (1930). "*Sbornik sochineniy, 13 tom*". (Set of Literal Works, vol.13). Moscow.
- Fatehi, Mehdi. (2010). "*Honare adabiyat va sinema, "Pooshkin aghazgare revayate roosi"*". (Literature and Cinema History, "Pushkin The Pioneer of Russian Narration"). Gertsen, A. I., vol.7.
- Goncharov, I. A. (1952). "*Sbornik sochineniy v 8-mi tomakh, tom 1*". (Set of Works in 8 volumes, vol. 1). Moscow.
- . (1952). "*Sbornik sochineniy v 8-mi tomakh, tom 8*". (Set of Works in 8 volumes, vol. 8). Moscow.
- Lavreskiy, A. (1989). "Stat'ya Lishniye ludi". Iz sayta feb-web.ru. (Essay "Superfluous man").
- Mann, U. V. (1969). "*Filosofiya I poyetika "Naturalnoy shkoli"*". (Philosophy and Poem, Naturalism School). Moscow.
- Milakh, B. S. (1966). "*Evgeniy Onegin*". (Eugene Onegin). Moscow: Nauka publication Primchanie, 315-136
- Sheblikin, A. P. (1998). "*Neobiknovennoye v romane I.A.Goncharova "Obiknoennaya istoriya"*". (Unusual in a novel by Ivan Goncharov "Ordinary Story). Ulyanovsk: "Pechatniy dvor" publications.